

سیدعلی نصر

منصور خلیج



به طوری که هنوز بیشتر از پانزده سال نداشت که همان مدرسه از او به عنوان مدرس در رشته ادبیات و فارسی و فرانسه دعوت به کار کرد. او ضمن پذیرفتن این دعوت نخستین کارهای ترجمه‌اش را نیز به دست گرفت. به زودی به دلیل علاقه به هنر نمایش درصدد فعالیت در این رشته برآمد. از نخستین فعالیت‌هایش در عرصه تئاتر اقدام به ایجاد و تأسیس یک تئاتر دایمی در پایتخت بود. در این ایام چاپخانه فاروس در لاله‌زار به راه افتاده بود. این چاپخانه نمایشنامه‌هایی را منتشر کرد که خود خدمتی بزرگ در گسترش و نشان دادن ظرفیت هنر نمایش برای پاسخ‌گویی به نیازهای اجتماعی آن روزگار بود. امکانات طبقه دوم همین چاپخانه بود که تماشاخانه‌ای هر چند کوچک در آن راه‌اندازی شد. تماشاخانه‌ای با نام «تئاتر ملی» سرپرستی این تئاتر را عبدالکریم محقق‌الدوله که مردی فاضل و اروپا دیده بود بر عهده داشت. گشایش تئاتر ملی در سال ۱۳۲۹

هنگام عبور از خیابان لاله‌زار جنوبی، تماشاخانه معروف و قدیمی نصر حتماً به چشم‌مان خورده است. اما شاید خیلی‌ها ندانند که این وجه تسمیه به چه مناسبت است و سابقه آن به چه زمانی می‌رسد. خیابان لاله‌زار که امروز مرکز فروش لوازم برقی است، زمانی مشخص‌ترین خیابان پایتخت به لحاظ حضور تئاترها و مراکز روشنفکری محسوب می‌شده و تئاتر نصر به نام سیدعلی نصر که او را پدر تئاتر ایران لقب داده‌اند نام‌گذاری شده است. میرسیدعلی نصر در سال ۱۲۷۰ ش در کاشان به دنیا آمد. پدرش نصرالاطبای بود و سیدعلی از همان دوران کودکی فراگیری سواد را نخست نزد برادرش «آقا ولی نصر» آغاز کرد و بعدها در مدرسه‌های شرف و علمیه به ادامه تحصیلات پرداخت و به خاطر علاقه وافری که به زبان و ادبیات فرانسه داشت وارد مدرسه «الیانس» فرانسه واقع در تهران شد، هوش سرشار او دوران تحصیلش را قرین موفقیت کرد

نصر در زمرة نخستین کسانی بود که در کنار محقق‌الدوله و در خدمت تئاتر ملی قرار گرفت. در این دوران، نصر در مدرسه نظام و علوم سیاسی نیز به تدریس پرداخت و کمی بعد به استخدام وزارت مالیه (دارایی آن زمان) درآمد.

سیدعلی نصر، بعد از حدود یک سال همکاری با گروه تئاتر محقق‌الدوله به منظور کسب دانش تئاتر راهی اروپا شد. طی ایام اقامت در اروپا و گذراندن تحصیلات تئاتر بعدها سفرهایی نیز به چین و ژاپن کرد و با تئاتر خاور دور نیز آشنا شد.

پس از بازگشت به ایران نصر مجدانه کار تئاتر را دنبال کرد، طی این ایام محقق‌الدوله چشم از جهان فرو بسته بود و تئاتر ملی نیز دیگر تئاتر فعالی نبود. نصر بسلافاصله بعد از ورود با گردآوری گروهی از روشنفکران، کمدی ایران را تأسیس کرد. (سال ۱۲۹۵ هـ ش). در کمدی ایران شخصیت‌های سرشناسی دست به کار بازی شدند و این نشانه‌اهمیتی بود که قشر باسواد پس از انقلاب مشروطیت برای هنر نمایش قایل بود.

آقایان محمدعلی فروغی (ذکاءالملک)، عنایت‌اله شیبانی، بهرامی (منشی باشی) محمد ملکی و احمد محمودی کمال الوزاره (مؤلف نمایشنامه‌های حاجی ریایی و استاد نوروز پینه‌دوز که در سال ۱۹۱۸ به طبع رسیده است) مهدی نامدار، سیدرضا هنری، رفیع حالتی، محمود ظهیرالدینی، فضل‌الله بایگان، طبیب زاده، حسین خیرخواه، نعمت مصیری، سیدجلال‌الدین مرعشی، میرزا نصراله‌خان، محمود الهی، داود دیبا، مهدی مشایخی، احمد درخشان، علی اصغر گرمسیری، صادق بهرامی، میرمهدی ورزنده و بعداً غلامعلی فکری، نقشینه و بانوان سازاخاتون، شکوفه و ملوک حسینی هنرمندان گروه کمدی ایران بودند.

کمدی ایران، در حقیقت اولین مؤسسه نمایشی است که با اصول و مقدمات صحیح شروع به کار کرد و

رفته رفته ذوق مهم تئاتر جدید را در مردم بیدار ساخت. کمدی ایران، ماهی دوبار در سالن گراند هتل (محل فعلی تئاتر دهقان) نمایش می‌داد و در دوره فعالیت خود توانست پای بعضی از بانوان ارمنی و ترک و یهودی را به صحنه باز کند، چون در ابتدا برای مدتی مردان نقش بانوان را بازی می‌کردند، برای نخستین بار نقش زن را در تئاتر ایران خود زن به عهده گرفت. کمدی ایران می‌کوشید هنر نمایش را در میان مردم بسط و گسترش دهد. نصر برای اولین بار وسایل گریم را از اروپا خریداری کرد و به ایران آورد.

نمایشنامه‌های به اجرا در آمده در کمدی ایران، اغلب نمایشنامه‌هایی با مضامین انتقادی و اجتماعی و مقبول طبع مردم آن زمان بود، همچون آثار مولیر و گوگول. در ابتدا به علت دلبستگی زیاد مردم به تئاتر این گروه ماهی دوبار در سالن گراند هتل (محل فعلی تماشاخانه نصر) به اجرای نمایش می‌پرداخت، ولی بعدها استقبال بیشتر شد و کمدی ایران، سالن‌هایی از گراند هتل را با هفت صد نفر گنجایش به اجاره خود در آورد. در عرضه نمایشنامه‌نویسی، نصر، قلمی توانا و پرکار داشت. در نمایشنامه‌های خود بیشتر مضامین و موضوعات اجتماعی را انتخاب و پرداخت می‌کرد.

روزگار نصر، روزگار ریشه‌گیری طبقه جدید و گرایش‌های خاص زندگی به شیوه غربی بود، نصر با توجه به مسایل پیرامون خود موضوعات و نمایشنامه خود را انتخاب می‌کرد، در نمایشنامه‌های او زندگی جدید جامعه ایران که تحت تأثیر دستاوردهای دنیای جدید بود، جایگاه ویژه‌ای داشت. برخی از نمایشنامه‌های نصر عبارتند از:

گلنار و نوروز (درام در سه پرده). کوچولو موچولو (در سه پرده)، یتیم، (نمایشنامه در ۷ صحنه)، تا این جوریم همین است، (نمایش در سه پرده) مجید و کلفت‌اش (کمدی در یک پرده)، سه خواهر خجول (کمدی در یک پرده)، نتیجه تعدد زوجات (کمدی در

سه پرده)، حرف‌های بکر (کمدی در یک پرده)، مردها این‌جوری‌اند (کمدی در یک پرده)، آشتی‌کنان زن و شوهر (کمدی در یک پرده)، اپرت قوزی (در سه پرده)، طلسم خانم بزرگ (کمدی در یک پرده)، خانم خانه‌دار (کمدی در یک پرده)، سر به سر گذاشتن جمشید و زینب (کمدی در یک پرده)، زن باوفا، عروسی حسین آقا، عجب پکری جمشید جون، کورش کبیر، چوب دو سر طلا، حقیقت تلخ است، عروسی اجباری (ترجمه از اثر مولیر) خسیس (ترجمه از اثر مولیر) عوام‌فریب و سالوس ترجمه و اقتباس از مولیر، طلبکار و بدهکار (اقتباس) سه عروسی در یک شب (اقتباس)، آبجی ابول، اتفاق کوچه غریبان، اگر یک دفعه به چنگم افتادی، سیه روزان، پُز دادن به درد نمی‌خوره، پذیرایی گرم، عشق پدر. تعداد دقیق نمایشنامه‌های نصر به درستی روشن نیست، اما به تقریب حدود یک صد اثر نمایشی به او منتسب است که تقریباً سی و پنج اثر ترجمه و اقتباس از دیگر نویسندگان نیز در بین آن‌ها دیده می‌شود. دو فیلم‌نامه با عناوین:

کی بودم و کی هستم و آفتاب زیر ابر پنهان نمی‌ماند، به همراه تعداد زیادی کتب علمی، ادبی، شش جلد کتاب علم‌الاشیاء، تاریخ یونان، هنرآموز دوشیزگان در شش جلد، خلاصه تاریخ علم، تاریخ ایران تا جلوس احمد شاه و چندین اثر دیگر از این نویسنده و مترجم قابل ذکر است.

از سال ۱۳۱۴ به بعد فعالیت‌های مستمر در سایر عرضه‌های اداری و اجتماعی وقت زیادی از نصر را به خود اختصاص داد. راه‌اندازی مؤسسه برق تهران، خدمت در مقام استاندار مازندران، وزیر مختار ایران در چین و پاکستان، وزارت پست و تلگراف در کابینه فوام‌السلطنه و مشاور مخصوص هیأت نمایندگی ایران در پنجمین دوره مجمع عمومی سازمان ملل.

هنگامی که سازمان پرورش افکار در دی ماه ۱۳۱۷

ه. ش. به راه افتاد. نصر سرپرست بخش نمایش آن شد و کوشش زیادی در توسعه و گسترش هنر نمایش کرد. نصر در سال ۱۳۱۸ ه. ش. هنرستان هنرپیشگی، که بخشی وابسته به سازمان پرورش افکار بود بنیان نهاد. مهدی نامدار، منشی‌باشی بهرامی، عنایت‌ا... شبیانی، احمد دهقان، فضل‌ا... بایگان و رفیع حالتی از نخستین همکاران نصر در هنرستان بودند. کمی بعد عبدالحسین نوشین، علی دریابگی و معزالدیوان فکری نیز با هنرستان همکاری کردند.

هنرستان هنرپیشگی، که در اردیبهشت ماه ۱۳۱۸ به‌طور رسمی افتتاح شد، نخستین مدرسه هنری بود که طرح درس خود را از کنسرواتوارهای فرانسه طرح‌ریزی کرده و سعی داشت با بهره‌گیری از استادان فن به روش صحیح علمی و عملی به تربیت هنرجویان با استعداد و علاقه‌مند بپردازد. در اولین دوره این هنرستان دوازده زن و چهل مرد شروع به تحصیل کردند.

سیدعلی نصر، با همه مشغله‌هایی که داشت، هیچ‌گاه تئاتر را فراموش نمی‌کرد، او علاوه بر نمایشنامه‌نویسی و کارگردانی، تعداد زیادی از نوشته‌هایش را خودش اجرا می‌کرد. در زمینه بازیگری، ترجمه و گریم نیز فعالیت داشت. هنگام انجام مأموریت‌های خارج از کشور، خواه ناخواه در اداره تماشاخانه‌اش مشکلاتی پیش می‌آمد، لیکن با مراجعت به کشور، هدایت گروه را برعهده می‌گرفت.

سرانجام نصر در بهمن ماه ۱۳۴۰ ه. ش چشم از جهان فرو بست. پیکرش را در امام‌زاده عبدالله شهر ری به خاک سپردند.

منابع:

- ۱ - سازمان پرورش افکار، مجموعه سخنرانی‌ها، نمایشنامه‌ها از آبان ۱۳۱۸ تا خرداد ۱۳۱۹، چاپ تهران مهر ماه ۱۳۱۹ چاپخانه فردوسی ۱۲۴ صفحه.
- ۲ - کوشش‌های نافرمام، هیواگوران، تهران، انتشارات آگاه.